

انتقاد کیهان از ژانر اجتماعی سینمای ایران

سینمای اجتماعی ایران و همچنین سینمای نمایش خانگی در چند سال اخیر تصویری غالباً سیاه، کاریکاتوری، ناامیدانه و غیر واقعی و بدون راهکار از جامعه ایرانی ارائه داده است. البته این به آن معنا نبود که آثار اجتماعی منتقدانه و منصفانه نیست، اما این آثار به قدری انگشت‌شمارند که در بین انبوه آثار سیاه و غالباً کپی‌برداری شده گم شده‌اند.

به گزارش سایت خبری پرسون، در واقع می‌توان گفت سینمای اجتماعی کنونی ضمن فاصله گرفتن از سینمای اجتماعی چند دهه گذشته و همچنین به دور از واقعیت‌ها و معضلات اجتماعی جامعه، بیشتر از آنکه جامعه‌شناسانه باشد و به فکر ارائه راه‌حل جامعه‌شناختی برای برون رفت از این معضلات، درگیر مسائل سیاسی و جشنواره‌ای شده‌اند. آنچه ذهن مخاطب سینمای اجتماعی به خصوص نسل جوان را درگیر و مشوش می‌کند ارائه تصویری عمدتاً چرک، کثیف، سیاه و غالباً به دور از واقع در سینما از مردم طبقه پایین و متوسط سنتی (برای ارائه به جشنواره‌های خارجی) به همراه ارائه تصویری کاریکاتوری و پرزرق و برق از طبقه متوسط و بالای شهری جامعه (برای مصرف داخلی) می‌باشد، خطایی که حتی برخی آثار تلویزیونی هم دچار آن هستند.

نه آن سیاه‌نمایی واقعیت محض دارد و نه این زرق و برق عمومیت محض، البته این به معنای نبودن مشکلات و معضلات اجتماعی یا وجود فاصله طبقاتی و یا حتی نپرداختن به آن نیست، بلکه بر عکس سینما با توجه به قدرت نفوذ و اثری که در بین جامعه دارد می‌تواند و باید حلقه اتصال عامه مردم با مسئولان و تصمیم‌سازان برای بیان مشکلات و معضلات اجتماعی به همراه ارائه راه‌حل برای برون رفت باشد نه صرفاً درگیر مسائل سیاسی و جشنواره‌ای یا برداشت ذهنی خود از جامعه. آثار اجتماعی منصف و دلسوز باید با نگاهی واقعی و عمیق ضمن روایت‌گری درست مطالبه‌گر حل معضل اجتماعی روایت‌شده‌اش باشد نه صرفاً توصیه به مهاجرت و خیانت و بزهکاری کند!